

سای بابا: معنویت مخملین

عباسعلی مشکانی*

عبدالحسین مشکانی**

چکیده

«ساتیا سای بابا» نام دیرآشنای عرصه عرفان‌های نوظهور و معنویت‌های مخملین است که آوازه‌ای جهانی داشته، بخشی از فضای فرهنگی و عقیدتی جامعه ما را نیز تحت تأثیر قرار داده است. انتشار عقاید منحرف و التقاطی وی از قبیل ادعای الوهیت و حلول الهی، تناسخ، اباحی‌گری، پلورالیسم، پانتئیسم و... انحراف فکری و اعتقادی نسل‌های نوری را به دنبال داشته است. نویسنده در این مقاله با هدف بازشناسی، معرفی و نقد افکار سای بابا، به نقل آراء و نقد آنها پرداخته است. بررسی جریانی عرفان‌های نوظهور و تسمیه آنها به عنوان «معنویت‌های مخملین» و طرح و نقد مباحثی از قبیل آواتار، اندیشه رهایی، چرخه کارما و سارما از جمله مباحث نوین این مقاله می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: عرفان، عرفان‌های نوظهور، فرقه سای بابا، ساتیا سای بابا.

مقدمه

سرسختانه با گسترش ادیان الهی و آسمانی، مؤیدی بر این ادعاست. بررسی محتوای ادعاهای هستی‌شناسانه، انسان‌شناسانه و معرفت‌شناسانه این فرقه‌ها نشان می‌دهد که تمامی آنها از آبخشور واحدی - یعنی غرب - سر برآورده‌اند.

از سوی دیگر، با پیروزی انقلاب اسلامی ایران روند گسترش این معنویت‌های نوپدید و گرایش مسلمانان جهان و به ویژه جوانان کشورمان به معنویت، شدت بیشتری یافت و این عرفان‌های دروغین و نحله‌های منحرف، یک تهاجم فرهنگی نرم و پنهان را آغاز کردند. نفی عقلانیت در جامعه، جایگزینی عرفان‌های دروغین به جای عرفان اسلامی، ترویج بی‌بند و باری و ترک شریعت، ترویج شدید فرقه‌گرایی و ایجاد مکتب‌ها و نحله‌های متعدد به منظور برهم زدن امنیت سیاسی و اجتماعی و اخلاقی جامعه، بخشی از اهداف این جریان می‌باشد. برای جریاناتی با این اهداف، عنوان «معنویت‌های مخملین» با مسما تر از عناوینی همچون عرفان‌های نوظهور و ادیان جدید است؛ چه اینکه در حقیقت، این جریانات، توطئه قدرت‌های پوشالین، علیه معنویت و دیانت حقیقی می‌باشند. از جمله معنویت‌های کاذب و مخملین وارداتی از ناحیه شرق، «سای بابا»^(۱) است. پیرامون این فرقه و بنیانگذار آن ساتیا سای بابا - بر خلاف دیگر فرقه‌ها - کار پژوهشی کمتری صورت پذیرفته است. نویسنده در این مقاله به طور تفصیلی و مستند به طرح و نقد آموزه‌ها و تعالیم و سیره رهبران آن پرداخته است. برخی از سؤالات کلیدی این پژوهش عبارتند از:

رویکرد دیگر بار بشر به دین و معنویت - پس از گریز چهار سده‌ای از دین و دیانت - پدیده‌ای مهم و ارزشمند است. اما این اقبال به دیانت به دلیل فرصت‌طلبی و سودجویی برخی فرصت‌طلبان، به خطری بزرگ و بحرانی عظیم در حیطه معنویت و دیانت مبدل گشته است. فرقه‌های نوظهور و ادیان بشرساخته که چونان علف هرز، هر روز در گوشه‌ای سر بُرون می‌آورند و بشر را به سوی خود فرا می‌خوانند، غده‌ای سرطانی هستند که به نام دیانت و معنویت در حال گسترش‌اند.

این بحران زاینده سرخوردگی آدمی از عقلانیت و علم مدرن است که با اثبات نادرستی فلسفه‌های معنویت‌ستیز و شکست نظام‌های سیاسی معنویت‌گریز به بلوغ خود نزدیک شده است. رواج بیماری‌های روانی حاصل از فقدان آرامش فطری، بار دیگر گرایش به معنویت متکی بر عالم ماوراءالطبیعه را منجر شده است. این گرایش که سوسوی آن در غرب نمایان گشته، با ورود انقلاب معنوی و دینی ایران اسلامی به عرصه هستی، شعله‌ورتر شده است. ترس سردمداران غرب از بازگشت بشریت پست‌مدرن به دین و دین‌باور شدنشان، آنها را به فکر واداشت تا دیگر بار، طرحی نو دراندازند. به نظر می‌رسد میدان دادن به افرادی که نوعی گرایش به دین‌سازی و عرفان‌بازی دارند بخشی از برنامه‌های دولت‌های استکباری، به ویژه کارشناسان اجتماعی و امنیتی سازمان‌های اطلاعاتی را به خود اختصاص داده است. عدم برخورد محکم با این پدیده‌ها، در کنار برخوردهای حذفی و

۱. مقصود از معنویت‌های مخملین چیست؟
۲. ساتیا سای بابا کیست؟
۳. عقاید و آراء فرقه سای بابا کدام است؟
۴. شیردی سای بابا و پراما سای کیستند؟
۵. مقصود از واژگانی همچون کارما، سارما، اندیشه رهایی و آواتار چیست؟

۱. سای بابا در یک نگاه

«سای بابا» عنوانی مشترک، بین دو پیامبر دروغین است. سای بابا شیردی^(۲) عارف‌نمایی هندی است که با وجود شباهت اسمی با ساتیا سای بابا، دارای شخصیت مجزایی از اوست. درباره زندگی‌نامه و تعالیم سای بابا شیردی آثار اندکی در دسترس می‌باشد. دوران کودکی وی برای مدت‌ها در هاله‌ای از رمز و راز پوشیده بود. در ۲۸ سپتامبر ۱۹۹۰ ساتیا سای بابا قسمتی از زندگی دوران کودکی قدیس شیردی را تشریح کرد. بر اساس اظهارات وی، سای بابا شیردی در ۲۸ سپتامبر ۱۸۳۵ در جنگلی نزدیک دهکده «پاتری» در ایالت حیدرآباد هند در خانواده‌ای برهمن به نام «بهار دواجا گوترا» به دنیا آمد.^(۳) اکثر اتفاقات زندگی سای بابا شیردی در کتابی تحت عنوان قدیس سای بابا شیردی توسط ساتیا پال روهلا منتشر شده است. حمیدرضا جعفری این کتاب را به فارسی ترجمه و انتشارات پیک ایران آن را به چاپ رسانده است. همچنین توسط دوست‌داران وی، مطالبی به صورت پراکنده انتشار یافته است. چنان‌که می‌گویند: سای بابا شیردی یک معلم روحانی بود که طرف‌داران تمام مذاهب هندو، از هر طبقه‌ای به او به دیده احترام می‌نگریستند و از تعالیم و

نصایحش بهره می‌بردند. او با زبانی ساده، جوهر پیام مذاهب را برای مردم بیان می‌کرد. نیز از زندگی گذشته و حال و آینده انسان‌ها باخبر بود، زبان برخی حیوانات را می‌دانست و با تمام وجود به حل مشکلات و مصایب نیازمندان می‌پرداخت و قدرت آن را داشت که بیماران را شفا دهد.^(۴)

سای بابا شیردی تعالیمش را از کتاب‌های مقدس هندوها و نیز اسلام می‌گرفت و ضمن اینکه به تناسخ و قانون «کارما»^(۵) وفادار بود، به اسلام هم احترام می‌گذاشت.^(۶) او در هند چندان هوادار و پیرو ندارد. وی در ۱۵ اکتبر ۱۹۱۸ از دنیا رفت.^(۷) سای بابا شیردی آن کسی است که ساتیا سای بابا خود را تجسم و جانشین وی خواند.^(۸)

ساتیا سای بابا، دومین شخص مشهور به «سای بابا» است. وی بنیانگذار فرقه «سای بابا» می‌باشد. ساتیا سای بابا در ۲۳ نوامبر ۱۹۲۶ در دهکده‌ای کوچک به نام «پوتاپارتی» به دنیا آمد. پدر او پداونکا پاراجو و مادرش ایشوارامبا بودند. ساتیا، فرزند چهارم خانواده‌ای فقیر و مذهبی بود و بجز او، خانواده راجو یک پسر و دو دختر دیگر نیز داشتند. سای بابا پس از مدتی وارد مدرسه شد و تحصیلات ابتدایی را در محل زندگی خود ادامه داد. او زندگی ساده‌ای داشت و مانند بچه‌های دیگر به بازی و کنجکاو می‌مشغول بود. او روزها را یکی پس از دیگری، صرف تحصیل و بازی در محل سکونت خود می‌کرد؛ اما به یکباره اساس زندگی معنوی وی متحول شد و سرنوشت او به گونه‌ای متفاوت از دیگران رقم خورد. ساتیای نوجوان در آن زمان، وارد دوران جدیدی از زندگی شخصی و مرحله نوینی از

کرد. در معبد او به مناسبت اعیاد همه ادیان مراسم گوناگونی برگزار می‌شود. انسان‌های زیادی نیز برای دیدار وی و کسب معنویت، از دورترین نقاط جهان به این مکان می‌روند.^(۱۶) گزارش‌هایی از سفر برخی جوانان ایرانی برای دیدار با سای بابا در دور ان اصلاحات، در مطبوعات آن دوره به انتشار رسیده است.^(۱۷)

ساتیا سای بابا، به گفته خودش، در سن ۹۹ سالگی، خرقه تهی کرده و هشت سال بعد در جسم دیگری در شهر «میسور» دوباره ظهور خواهد کرد. نام این تجسم الهی «پرما سای بابا» و گسترش دهنده عشق و ادامه دهنده راه شیردی سای بابا و ساتیا سای بابا خواهد بود. ساتیا سای بابا در سخنان خود گفته است که بعد از پرما سای، جهان بار دیگر در صلح و آرامش غوطه خواهد خورد!^(۱۸)

سای بابا برخلاف پیش‌گویی خود که ادعا کرده بود در سال ۲۰۲۵ و در سن ۹۹ سالگی خرقه تهی خواهد کرد، در آوریل ۲۰۱۱ و چهارده سال زودتر از آن خرقه تهی کرد!

تاکنون چندین کتاب درباره سای بابا، و همچنین تعدادی از کتاب‌های نوشته شده توسط خودش، به زبان فارسی ترجمه شده است که از جمله آنها می‌توان به کتب ذیل اشاره کرد:

۱. **تعلیمات سای بابا (تعالیم معنوی ۶)**، ترجمه رویا مصباحی مقدم؛
۲. **زندگی من پیام من**، ترجمه پروین بیات؛
۳. **سخنان سای بابا (تعالیم معنوی ۴)**؛
۴. **افکار الهی برای ۳۶۵ روز سال**، ترجمه پروین بیات؛
۵. **درخت ارزش‌ها را آبیاری کنیم**، ترجمه پروین بیات؛

حیات روحانی خود شد. او تبلیغات معنوی را از همان سنین ابتدایی به مرحله اجرا گذارد و در بیستم اکتبر ۱۹۴۰ در ۱۴ سالگی، زندگی شخصی خویش را رها نموده، اعلام نمود که روح خداوند در جسم او حضور یافته است، و در اصطلاح، اعلام «آواتاری»^(۹) کرد. او همچنین ادعا کرد برای هدایت انسان‌ها بر روی زمین مبعوث شده است.^(۱۰)

او در عین حال، خود را سای بابا نامید و ادعا کرد تجسم بعدی شیردی سای بابا، عارف‌نمای پیش‌گفته هندی، است.^(۱۱) گرچه این ادعای سای بابا از طرف برخی مورد پذیرش قرار گرفت، لیکن پیروان سای بابا شیردی و همچنین ساکنان دهکده شیردی با این ادعای او به مخالفت برخاستند.^(۱۲)

سای بابا پرداخته‌های ذهن خود را حاکم بر همه ادیان و ناظر به همه آنها دانست. در عین حال، مدعی شد اعتقاد به پیام او، با گرایش به ادیان رایج منافاتی ندارد! به همین دلیل، ادعا کرد روحانی هیچ‌یک از ادیان نیست و برای تبلیغ هیچ دینی نیز نیامده است!^(۱۳) این ادعا در حالی است که سای بابا پیش از هر چیز، همگان را به سوی خویش خوانده و با آواتار نامیدن خویش، دیگران را به پیروی و پرستش خود فرامی‌خواند: «هر که تمام اعمال خویش را به من اهدا کند بدون هیچ فکر دیگری، هر که روی من مراقبه می‌کند، به من خدمت می‌کند، مرا پرستش می‌کند، مرا به خاطر دارد، بداند که با او هستم.»^(۱۴)

سای بابا پا را از این نیز فراتر نهاده و کسانی را که به او ایمان نیاورند، مرتد خوانده است!^(۱۵)

سای بابا برای دعوت خود معبد بزرگی به نام «پراشانتی نیلایام» به معنای «آشیانه صلح» تأسیس

۶. یوگای عاشقانه، ترجمه آزاده مصباحی؛

۷. عشق الهی را جلوه گر سازید، ترجمه پروین بیات.

۲. اندیشه‌های سای بابا در بونه نقد

معنویت‌های پوشالی و مخملین، دارای شاخصه‌ها و ویژگی‌های مشترکی هستند که تمامی و یا اکثر آنها را به هم پیوند می‌زند. در این قسمت، به ذکر برخی شاخصه‌های معنویت‌های مخملین پرداخته و با انجام تحقیق تطبیقی، فرقه سای بابا را به نقد خواهیم نشست.

۱. نارسایی خداشناسی

خداشناسی اصل بنیادی تمامی مکاتب و مسلک‌هایی است که توجه به منبع قدسی را جزء جدایی‌ناپذیر عقاید خود می‌دانند. در درازای تاریخ، خداشناسی در تفکرات مذهبی، کانونی است که ناخواسته ذهن هر پژوهشگر را به سوی خود جذب می‌کند و اولین سؤالی که در ذهن او نقش می‌بندد این است که آیا خدایی هست؟ تاریخ بیشتر ادیان گذشته گواه بر پاسخ مثبت به این پرسش است. اگرچه یکی از شاخصه‌های بارز معنویت‌های مخملین و عرفان‌نمای شرقی و غربی از دهه‌های گذشته، نادیده گرفتن اعتقاد به خدا و یا بعضاً ارائه تفسیری نامعقول و ناکارآمد از خدا به انگیزه انکار خداوندگار واجب‌الوجود است، اما پاسخ مثبت بسیاری از این مکاتب بر اصل وجود خدا - هرچند با صفات نامعقول و نابخردانه - بر صدق این مطلب دلالت دارد.

سای بابا نیز به عنوان فرقه‌ای مدعی، به گاه‌گاه شناسایی خداوند، تعبیرات گوناگون و گاه متناقضی به کار می‌برد. او به سبب اقتباس آموزه‌هایش از

تعالیم هندو، به انواع تجلیات خداوند معتقد است، ولی برخلاف کتاب‌های مقدس هندوئیسم بیشتر بر خدای برتر تکیه دارد؛ چنان‌که همواره در تعالیم او بحث از خدا با تکیه بر وحدانیت شکل می‌گیرد. (۱۹)

او در جملاتی پراکنده و مشوش در مورد خداوند می‌گوید: خدا خود دارما (رفتار صحیح) است و پوشش جهان آفرینش است. (۲۰) آیا بین شیء و تصویرش تفاوتی هست؟ شما همه او هستید و او همه شما. (۲۱) همه انسان‌ها جزئی از خدای واحدند. (۲۲) آنچه در جسم به شکل روح الهی وجود دارد، خداوند است. (۲۳) همه انسان‌ها را تجسمی از الوهیت بدانید... شما همه سلول‌های زنده‌ای در بدن خداوندید. (۲۴) وظیفه خداوند است. (۲۵) فرد ضرب در نامتها مساوی است با روح خداوند... خداوند را باید در نامتهای کیهان، در الوهیت همه جا حاضر مشاهده کرد. (۲۶)

خداوند شکلی را به خود می‌گیرد که سرسپرده‌ها آرزو داشته‌اند. دانستن اینکه تمام اشیا خلق شده شکلی از خداوندند بسیار اساسی است. (۲۷)

این عقاید در مورد خداوند، ناشی از برادشتی نامعقول و نادرست از دیدگاه وحدت وجود است. از مجموع گفته‌های سای بابا روشن می‌گردد که وی قادر به ارائه تصویری روشن از خداوند نیست. گاهی قائل به حلول است و گاهی قائل به همه‌خدایی و پانثیسم. گاه خدا را از سنخ روح کیهانی و انرژی می‌داند و گاه آدمی را سلول‌های بدن خدا می‌پندارد! اصولاً خداوند بدن ندارد تا انسان‌ها سلول‌هایی در بدن او باشند و یا رابطه انسان با خدا را نمی‌توان از سنخ رابطه جزء و کل دانست. آن خدایی که شریعت

توصیه می‌کند تا در حالت آرامش و توجه کامل در برابر او بخوانند: «خودتان را محصور من بدانید، به من مشغول باشید، جنون بابا را در زندگی‌تان خلق کنید. باور کنید که از این جنون شیرین‌تر نیست. به عشق هم عادت کردیم. همه این سال‌ها، فرم‌های مختلفی از عشق را برای شما گرفتیم. مثل کودکی پرورش‌تان دادم، مثل پدر و مادری عاشق، تا رشد کنید، من فرم برادر و خواهرتان را به خود گرفتیم... من آمده‌ام تا سعادت بدهم، من آمده‌ام تا ببخشم. هیچ منظور دیگری از موجودیت من نیست. همه اضطراب و مشکلات خود را به من بسپارید، و از من آرامش بگیرید. بیا و مرا پیدا کن، و خودت را پیدا کن. از نزدیک به من نگاه کنید، به فراسوی فرم بدن و درون نگاه کنید.»^(۳۰)

سای بابا ابتدا در ۱۴ سالگی اعلان کرد که روح خداوند در جسم او حضور یافته است. او همچنین ادعا کرد برای هدایت انسان‌ها بر روی زمین مبعوث شده است.^(۳۱) او همچنین معتقد است که خداوند در تمامی افراد تجسم یافته و هر فردی خود یک تجسم الهی است.^(۳۲)

سای بابا خود را برهما، خدای خالق و هستی‌بخش می‌پندارد و از مردم می‌خواهد تا او را ستایش و تعظیم کنند؛ به او عشق بورزند، تا به آرامش و عشق برسند؛ آرامش و عشقی که در ملکوت تجربه کرده‌اند، فطرتشان از آن آگاه است و در این جهان نیز به دنبال آن می‌گردند.^(۳۳) حال این کمال مطلق که فطرت خواهان خشوع در پیشگاه اوست کجا و یک انسان نیازمند و محدود کجا؟! در بطلان ادعای حلول خداوند در برخی

مقدس اسلام به تصویر می‌کشد، با هیچ‌یک از این کژفهمی‌ها و کج‌اندیشی‌ها سازگاری ندارد. خدایی که اسلام معرفی می‌کند، مبدأکل جهان هستی است. دارای وجودی فوق تمامی موجودات است. او دارای اسماء و صفاتی مانند احد، واحد، علیم، قدیر، حکیم و خبیر است. تمامی صفات کمالیه عین ذات اوست و در او هیچ نقص و کاستی راه ندارد.^(۲۸) در آموزه‌های سای بابا موضوع خداباوری کم‌اهمیت جلوه می‌کند و خداوند در روند تغییرات زندگی انسان نقش کم رنگی دارد. برخلاف اهمیت الوهیت در عرفان‌های توحیدی، بالاخص عرفان اسلامی، در عرفان‌های سکولار و مخملین، مسئله الوهیت بی‌ارزش و کم‌اهمیت است.

سای بابا در قسمت دستورات عملی، هیچ‌گاه هدف و قصد انجام اعمال را توجه به خدا اعلام نمی‌دارد؛ چنان‌که حتی هیچ اشاره‌ای به خدا نمی‌شود. چنین موضع‌گیرهایی در فرقه سای بابا، بیشتر متأثر از اومانیسم غربی و مکاتب فلسفی همچون اگزیستانسیالیسم است. سای بابا توجه طالب معنوی به خداوند را وسیله‌ای برای تحقق آرزوها می‌داند و نه چیز دیگر.^(۲۹)

۱.۱. ادعای حلول: اوج نقصان خداباوری و خداشناسی سای بابا، آن‌گاه هویدا می‌گردد که او ادعای حلول ربانی می‌کند. او مدعی است که خدای خالق در او حلول کرده و معجزه‌اش تولید انبوهی خاکستر با دستش است. وی مردم را به ستایش و پرستش خویش فرامی‌خواند و فطرت‌های تشنه انقیاد و خضوع که حقیقت را نشناخته‌اند، ناگزیر در برابرش زانو می‌زنند. او به هوادارانش این متون و اذکار را

ستایش کن، تمام اعمال نیک خود را به من تقدیم کن، من تو را حمایت می‌کنم و آزاد می‌سازم؛ او با آگاهی کامل، از الوهیت، قدرت و علم خویش صحبت می‌کرد. تنها خداوند با چنین قاطعیتی سخن می‌گوید. اگرچه در بسیاری از موقعیت‌ها، آواتار مانند یک آدم معمولی ظاهر می‌شود و عمل می‌کند، خردمندی که از حقیقت روحی او آگاه است، اظهار می‌دارد: تو تجسم عمل درست هستی. تو این هستی جسمانی که از خون و گوشت درست شده است نیستی؛ تو روح جاودانی... آواتار همان تجسم عمل درست است... ربوبیت در انسان به صورت یک هستی فردی تجلی می‌شود. (۳۶)

همچنین می‌گوید: آواتارها راهنمایانی هستند که دانش برتر را اشاعه می‌دهند؛ دانشی که با کسب آن، آنچه انسان نیاز دارد بداند، آشکار می‌شود و بدون آن هر چیز دیگری بی‌فایده است. (۳۷)

تجلی آواتار در گفته‌های سای بابا با اهداف ذیل تحقق می‌یابد:

۱. روح خدا از قرنی به قرن دیگر تجلی می‌یابد تا عدالت و تقوا را برقرار سازد.

۲. او بر سعادت و نیک‌بختی هواخواهانش می‌افزاید.

۳. افرادی را که به او پناهنده شوند آزاد می‌سازد. (۳۸)

نکته اینجاست که سای بابا در تعالیمش خود را یک آواتار معرفی می‌کند؛ آواتاری که نقش معلم حقیقت را بازی می‌کند، کسی که آمده تا دوران جدیدی را در تعالیم کهن معنوی بنا نهد و نقش یک نجات‌گر بزرگ را ایفا کند: تو نمی‌توانی مرا در

انسان‌ها، استدلال‌های فراوانی شده که خلاصه آنها بدین قرار است: پذیرش حلول در مورد خدا مستلزم احتیاج، تغییر در ذات واجب، ترکیب یا جزئی از مرکب بودن و جواز رؤیت است که هیچ‌یک درباره خداوند روا نبوده و از اوصاف ممکن‌الوجود است نه واجب‌الوجود. آیات قرآنی (مانند سوره توحید) نیز بر نفی حلول و اتحاد دلالت دارد.

۱.۲. آواتار: از مفاهیم منحصر به فرد هندو «آواتار» است که زیربنای اصلی خداشناسی هندوست. بر اساس آیین هندو، مسئولیت «ویشنو» به عنوان حافظ جهان ایجاب می‌کند که او در هنگام بروز مخاطرات جدی برای جهان و موجودات آن، به شکل موجودی زمینی تولد یافته و جهان را از نابودی نجات دهد. تقریباً تمامی آواتارهای هندو تجسم‌های ویشنو هستند. این آواتارها حامل خرد و دانشی‌اند که برای حفظ بقای جهان ضروری است. (۳۴) در مسلک هندوئیسم بنا بر وضعیت طبیعی جهان، ضروری است که همواره زمین خاکی از آواتار خالی نباشد تا او اساس عقیده دارما را تحقق بخشد. دارما به معنای مسیر اصلی زندگی است بدون دخالت و ضربه زدن به منافع و زندگی دیگران و بدون تجاوز به آزادی اشخاص دیگر. به عبارت دیگر، دارما بدین معناست که آنچه دوست داری دیگران در حق تو انجام دهند، تو در حق دیگران انجام بده. به طور کلی، دارما، ایجاد وحدتی منظم میان گفتار و پندار و کردار انسان‌هاست. (۳۵)

سای بابا در توصیف آواتار می‌گوید: آواتار صرف‌نظر از اسم و فرمش، با الوهیت همانند است. زمانی که کیشنا به آرجونا گفت: تسلیم من شو، مرا

واسطه ریاضت‌ها و ذکرهای مداوم حاصل شده و در میان مرتاضان کشورهای گوناگون، بخصوص کشورهای آسیای شرقی فراوان است، نمی‌توان منجی جهان بودن آنها را اثبات کرد. اینان با دارا بودن برخی نیروهای عجیب و انجام برخی امور خارق‌العاده، درصدد اثبات حقانیت خود هستند. مثلاً، سای بابا با انجام برخی کارهای عجیب، مدعی است برتر از دیگران بوده و خود را نمودی از خداوند در روی زمین می‌داند. پشتوانه تمام این ادعاهای کذایی نیز چیزی غیر از همان قدرت‌ها و امور خارق‌العاده نیست. این در حالی است که مجهز بودن به برخی قدرت‌ها و انجام برخی کارهای معجزه‌گون، بر فرض صحت و صدق، نشانه حقانیت شخص نیست. توضیح اینکه این‌گونه کارها - با اختلافی که در نوع آنها هست - مستند به قوت اراده و شدت ایمان به تأثیر «اراده» است؛ چراکه اراده، تابع علم و ایمان قلبی است و توجه ایمان آدمی به تأثیر اراده هرچه بیشتر باشد، اراده هم مؤثرتر می‌شود. شدت قوت اراده هم متوقف بر انجام دادن اعمالی است که هر دین، مذهب و یا مسلکی، بر اساس نگرش خویش به پیروان خود دستور می‌دهد. انجام یک سلسله اعمال خاص توسط برخی مدعیان، نفس را از علل و اسباب خارجی، مأیوس ساخته، به گونه‌ای که مستقل و بدون استمداد از اسباب طبیعی، می‌تواند کاری انجام دهد. به هر روی، اثر ریاضت این است که برای نفس، حالتی حاصل می‌شود که می‌فهمد می‌تواند مطلوب را انجام دهد؛ یعنی هنگامی که ریاضت به طور کامل انجام گرفت، نفس طوری می‌شود که اگر مطلوب را

طبقه‌بندی مرد خدایی یک معجزه‌گر، انسانِ خداگونه یا شفادهنده قرار دهی. این آواتار برای ایفای نقش جدیدی آمده: نقش معلم حقیقت.^(۳۹) بدین‌سان، درگام نخست سای بابا به عنوان آواتار با نقش نوینی در صحنه ارشاد به عنوان یک معلم حقیقت جلوه می‌کند. سپس برای معرفی خود و ابراز ویژگی‌ها و توانایی‌های ذاتی خویش چنین سخن می‌گوید: هر که تمام اعمال و کارهایش را به من اهدا کند بدون هیچ فکر دیگری، هر که روی من مراقبه می‌کند به من خدمت می‌کند، مرا پرستش می‌کند، مرا به خاطر دارد، بداند همیشه با او هستم. ... من حق دارم آنهایی را که به من تعلق دارند گوشمالی بدهم، من بین شما راه می‌روم و صحبت می‌کنم، تربیت می‌دهم، نشان می‌دهم، نصیحت می‌کنم، اندرز می‌دهم، اما از هر نوع وابستگی جدا هستم... مرا با این ساخت فیزیکی مربوط ندانسته و یکی فرض نکنید، اما شما نمی‌فهمید.^(۴۰) آنچه در میان تمامی مدعیان معنویت‌های مخملین مشهود است، مسئله خودمحوری و خودبزرگ‌بینی است. سای بابا اما، این پروسه را به گونه‌ای متمایز از دیگران پی می‌گیرد. او به واسطه پیشینه ممتازی که مفهوم آواتار در تعالیم هندو دارد و همچنین مقبولیت فراگیری که هندوئیسم - نه تنها در هندوستان، بلکه در جهان - از آن برخوردار است، سعی می‌کند خود را به این مفهوم پهناور وصل کرده، در جهت نیل به خودبزرگ‌بینی گام‌های بزرگ‌تر و استوارتری بردارد. حال آنکه رهبران معنویت‌های نوظهور برای این ادعاهای بزرگ دلیل محکمی ندارند و صرف داشتن نیروهای خارق‌العاده که به

شما مرا بخواهید. اسمم ساتیا، من "راستی" هستم. اعمالم ساتیا، جلال و شکوه من ساتیا. تنها آرزوی من شادمانی شماست. شادی شما شادی من است. شادمانی جدا از شما ندارم. قدرت من غیرقابل اندازه‌گیری است. تولد من غیرقابل توضیح و غیرقابل درک و پیمایش است.»^(۴۳)

پای فشاری بر ایده شاد زیستن به مثابه هدفی غایی، در حالی است که شناخت حضوری خداوند، صفات و افعال الهی، هدف غایی عرفان‌های حقیقی است و اموری همچون شاد زیستن و زندگی با امید و اطمینان، اگر هم هدف باشند، به عنوان اهدافی میانی و ابزاری و نه اهداف عالی و نهایی مدنظر هستند. از سوی دیگر، براساس هدف و فرجام زندگی، شادی و نشاط از دیدگاه اسلام دارای حد و مرز است. محتوا و قالب شادی و نشاط، نباید با روح توحیدی و انسانی اسلام در تضاد باشد؛ زیرا هر پدیده‌ای که انسان را از آرمان و غایت اصلی خویش دور سازد، به هیچ وجه مقبول اسلام نخواهد بود. بنابراین، پدیده شادی و عوامل آن، به عنوان یک نیاز اساسی و ضروری تا حدی روا و مجاز است که مانع نیل انسان به هدف اصلی‌اش نگردد. و از آن‌رو که انسان در انجام دادن هر رفتار ارادی، انگیزه و هدفی را پی می‌گیرد، سرور و نشاط به عنوان یک رفتار، از این قاعده مستثنا نیست و هدف و انگیزه‌ای در آن دنبال می‌شود. در این پدیده، اگر انگیزه و هدف، حق و در راستای هدف اصلی زندگی آدمی باشد، این پدیده مفید و سودمند خواهد بود و اگر انگیزه و هدف باطل، در آن نهفته و در برابر هدف اساسی زندگی انسان باشد، این پدیده، باطل و مضر خواهد بود.

اراده کند، حاصل می‌شود.^(۴۱) با این حساب، دارا بودن قدرت‌هایی از این دست و انجام اموری خارق‌العاده با استفاده از این قدرت‌ها، نه نشانه عرفان و دیانت است و نه نشانه حقانیت.

۲. هدف غایی پوشالین

به دلیل رشد معنویت‌های نوظهور و مخملین در دامن مدرنیته، و تأثیرپذیری از مبانی آن، این فرقه‌ها اکثراً صبغه سکولاریستی و دنیاگرایی دارند. از این‌رو، غایت عالی و هدف نهایی بسیاری از این جریانات، اموری دنیوی و مادی است. «شادی و آرامش و امید به زندگی مادی» را می‌توان به عنوان عالی‌ترین هدف معنویت‌های نوپدید به شمار آورد. البته در طول تاریخ همواره مکاتبی بوده‌اند که هدف نهایی نظام اخلاقی خود را آرامش و خوشی می‌دانسته‌اند. برای مثال، غایت و هدف نهایی اپیکوریان و رواقیان در یونان باستان، آرامش و نشاط و خوشی بوده است. البته شادی موردنظر اپیکور، شامل شادی‌های معنوی و عقلانی نیز می‌شد؛ به همین دلیل، ممکن بود با رنج‌های جسمانی و مادی همراه باشد. از همین‌رو، اپیکور معتقد بود: برای کسب آرامش و آسایش و نشاط در زندگی باید به لذت‌های ضروری و طبیعی اکتفا نمود.^(۴۲)

سای بابا در این باره تصریح می‌کند که مأموریت وی اعطای شادی به پیروانش می‌باشد. او می‌گوید: «مأموریت من اعطای شوق و شادی به شماست که از ضعف و ترس دورتان کنم. مأموریت من پراکندن شادمانی است. از این جهت، همیشه آماده‌ام به میان شما بیایم؛ نه یک بار، دو بار یا سه بار؛ هر زمان که

بنابراین، می‌توان مرز شادی و نشاط را انگیزه و هدف آن دانست. بر این اساس، شادی‌هایی که پا را فراتر از حدود خود نهاده و آن را به عنوان هدفی غایی انگاشته، در آن راه افراط پیموده‌اند، از نظر اسلام مطرود است.

۳. انکار معاد و مسئله تناسخ

از دیگر مشخصه‌های اکثر معنویت‌های مخملین، در بعد انسان‌شناسی، انکار آموزه معاد و جایگزین کردن آموزه تناسخ یا بازگشت‌های متوالی به جهان به جای معاد است. شاید بتوان ادعا کرد که تمامی عرفان‌ها و معنویت‌های شرقی و غربی در این نکته اشتراک دارند. «تناسخ» از ویژگی‌های مشهور ادیان و آیین‌های هندی است. فیلسوفان و متکلمان مسلمان نیز از ابتدای شکل‌گیری مباحث فلسفی و کلامی، در نقد این آموزه سخن گفته و استدلال‌های مدافعان تناسخ را به نقد کشیده‌اند.^(۴۴)

مدعای معتقدان به تناسخ این است که روح انسان به هنگام مرگ، یک سلسله توالد را سپری می‌کند و به صورت متوالی از عالمی به عالم دیگر درمی‌آید. بار دیگر به هنگام مرگ به پیکر دیگری منتقل می‌شود و این چرخه همچنان ادامه می‌یابد. در کنار این عقیده، عقیده دیگری نیز در ادیان هندی به نام «کارما» مطرح است که بر اساس آن، کیفیت و چگونگی توالد ثانوی و علت انتقال روح یک فرد به جسمی دیگر را توضیح می‌دهد.^(۴۵)

یکی از آموزه‌ها و شعارهای کلیدی سای بابا اعتقاد به مقوله تناسخ است. او ادعا می‌کند در ۹۹ سالگی این جسم خود را ترک خواهد کرد و هشت

سال بعد روح او در جسم دیگری در شهر میسور به بدن فرد دیگری منتقل خواهد شد.^(۴۶) سای بابا گاه به تصریح و گاه به کنایه، از مقوله تناسخ سخن به میان آورده است. چه آنجا که ادعا می‌کند از جسم «شیردی سای بابا» به جسم فعلی و پس از این نیز در جسم «پراما سای» ظهور خواهد کرد^(۴۷) و چه آنجا که ادعا می‌کند هر انسانی زندگی‌های بی‌شماری را پشت سر گذاشته،^(۴۸) همه پرده از اعتقاد وی به تناسخ برمی‌دارد.

مهم‌تر اینکه سای بابا مدعی است برای نجات تمامی انسان‌ها از چرخه سامارا (تناسخ و مرگ و حیات‌های مکرر) آمده است و معتقد است: سلامت آدمی در رهایی است.^(۴۹) درباره اندیشه رهایی از دیدگاه سای بابا، در دانشگاه تهران پایان‌نامه‌ای با همین عنوان توسط زهره/یرانمنش نوشته شده است.^(۵۰)

تناسخ بدین معنا که مکاتب هندی و معنویت‌های مخملینی همچون او شو، اکنکار و سای بابا بدان معتقد هستند، هم از نظر فلسفی و هم از نظر دینی، قطعاً باطل است. ابن‌سینا و به تبع او سایر مشائیان بر اساس مبانی فلسفی خود در علم‌النفس دو استدلال برای ابطال تناسخ ذکر کرده‌اند. در این مجال، فقط به یکی از دو دلیل ایشان اشارتی می‌شود.

نفس زمانی به بدن تعلق می‌گیرد که بدن به حدی از رشد و بلوغ رسیده و برای دریافت نفس آماده باشد. بر این اساس، هر مزاج بدنی خاصی که ایجاد می‌شود، همراه با آن، نفس مخصوص آن نیز ایجاد می‌گردد. حال اگر فرض کنیم یک نفس در بدن‌های مختلف تناسخ کند، نتیجه آن خواهد شد که آن بدنی که نفسی در آن تناسخ کرده، دو نفس داشته باشد:

این سخنان بدین معناست که اعتقاد به مذهبی خاص، ضرورت ندارد و انسان با هر دین و مذهبی می‌تواند به تعالی و سعادت برسد و این تعالی همان چیزی است که سای بابا می‌آموزد. سای بابا در عین اقرار دروغین بر حقانیت و برابر تمامی ادیان و مذاهب، تعالیم خود را به عنوان یک مذهب برتر به نام «مکتب سای بابا» معرفی می‌کند. دیگر اینکه برابری ادیان به معنای پلورالیسم دینی است. پلورالیسم دینی این ادعا را مطرح می‌کند که حقیقت واحد است، اما این حقیقت واحد در دسترس یک فکر و یک دین نیست، بلکه تمامی ادیان می‌توانند حامل حقیقت باشند؛ بنابراین، در سعادت و رستگاری شریکند. (۵۶)

معتقدان به پلورالیسم به دو دسته تقسیم شده‌اند:

۱. دسته اول معتقدند: دین حقّ یکی بیش نیست؛ اما این حقیقت مطلق واحد به طور تام و کامل به دست هیچ پیامبری از پیامبران الهی نرسیده است، بلکه آن حقیقت مطلق به هریک از ایشان به شکلی تجلّی کرده است. به عبارت دیگر، هریک از ادیان (اسلام، مسیحیت، یهودیت و...) جلوه‌ای از جلوه‌های آن حقیقت واحد هستند و اختلاف این جلوه‌ها، اختلاف حقّ و باطل نیست؛ یعنی چنین نیست که - مثلاً - دین اسلام و سایر ادیان باطل باشند، بلکه سرّ اختلاف بین ادیان، اختلاف در نظرگاه است؛ یعنی هر پیامبری از یک زاویه به آن دین واحد مطلق نگریسته و جلوه خاصی از آن را دریافت کرده است. بنابراین، همه ادیان در حقانیت و تضمین سعادت بشر یکسان هستند. (۵۷) استاد مطهری در این باره می‌گوید:

یکی نفسی که در آن تناسخ کرده و دیگری نفسی که همراه آن ایجاد شده است. بر این اساس، باید پذیرفت که یک حیوان دو نفس داشته باشد و روشن است که این محال است؛ زیرا نفس یعنی مدبّر بدن و متصرف بدن، و هر حیوانی حضوراً می‌یابد که یک چیز است که بدن او را تدبیر می‌کند و در آن تصرف می‌نماید. (۵۱)

ملاصدرا نیز با توجه به اصول فلسفی حکمت متعالیه، از قبیل حرکت جوهری و جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء بودن نفس، هرگونه تناسخی (طولی و عرضی) را باطل می‌داند. (۵۲)

با این حال، سای بابا ادعا می‌کند اعتقاد به تعالیم او با اعتقاد به هیچ‌یک از ادیان منافاتی ندارد. آیا اعتقاد به اسلام و تشیع با اعتقاد به آموزه کفرآمیز تناسخ تنافی و تعارض ندارد؟!

۴. پلورالیسم (برابری و حقانیت تمامی ادیان و مذاهب)

سای بابا تمامی ادیان و مذاهب را بر حق و برابر می‌داند. از نظر او، هیچ مذهبی و هیچ دینی بر دیگر ادیان و مذاهب برتری ندارد: تمامی ادیان به سوی یک هدف رهنمون می‌شوند و تمامی انسان‌ها برادران یکدیگرند. (۵۳) همه مذاهب تنها به یک خدا تعلق دارند و به سوی یک مقصد رهنمونان می‌سازند، ادیان در اصل هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند. (۵۴)

همچنین می‌گوید: مذاهب مختلف را پذیرا باشیم؛ بگذاریم تا مذاهب مختلف شکوفا شوند و شکوه خداوند با همه زبانها و با اشکال مختلف سروده و خوانده شود. (۵۵)

از دیگر علل تجدید شرایع بوده است. (۵۹) ثانیاً، این شرایع متعدد در طول یکدیگر بوده‌اند نه در عرض هم. تفاوت تعلیمات انبیا با یکدیگر از نوع تفاوت تعلیمات کلاس‌های عالی‌تر با کلاس‌های پایین‌تر بوده است. (۶۰) بنابراین، هر شریعتی مکمل شریعت پیش از خود و کامل‌تر از آن بوده است. از این‌رو، در هر زمانی پیروی از آخرین شریعت الهی مجاز و تضمین‌کننده سعادت بشر است. بنابراین، حال که دین مبین اسلام به تصریح قرآن کریم آخرین دین الهی و ناسخ همه شرایع پیش از خود بوده، رسالتش جهانی و پیام او کامل و جامع است. از سوی دیگر، سایر شرایع به دست پیروان خود تحریف شده‌اند، پس تنها راه حق و تنها شریعت واجب‌الاطاعه، دین مبین اسلام است و سایر شرایع موجود تحریف شده و باطل هستند و تبعیت از آنها موجب رستگاری و سعادت نخواهد شد. (۶۱)

۲. دسته دوم برخلاف دسته اول که یک حقیقت واحد را می‌پذیرفتند و ادیان مختلف را جلوه‌های آن حقیقت واحد می‌دانستند، پا را از این فراتر نهاده، مدعی تعدد و کثرت حقایق هستند. همه ادیان و مکاتب بشری را حق می‌دانند و حقیقت هر دینی را غیر از حقیقت دیگری. به عبارت دیگر، قایل به یک «صراط مستقیم» نیستند، بلکه معتقد به «صراط‌های مستقیم» هستند، بنابراین، همه ادیان و مکاتب بشری را در عرض یکدیگر، دارای حقانیت و تضمین‌کننده سعادت و رستگاری بشر می‌دانند. (۶۲)

آنچه در نقد دسته اول گذشت، در مورد این گروه نیز می‌آید. علاوه اینکه، با استشهاد به آیات قرآنی به تبیین «صراط مستقیم» و نه «صراط‌های مستقیم»

در سراسر قرآن اصرار عجیبی هست که دین از اول تا آخر جهان یکی بیش نیست و همه پیامبران، بشر را به یک دین دعوت کرده‌اند. در سوره «شوری»، آیه ۱۳ آمده است: ﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى﴾ قرآن در همه جا نام دینی را که پیامبران از آدم تا خاتم مردم را بدان دعوت می‌کرده‌اند اسلام می‌نهد... مقصود این نیست که در همه زمان‌ها به این نام خوانده می‌شده، مقصود این است که دین دارای حقیقت و ماهیتی است که بهترین معرف آن لفظ اسلام است. (۵۸)

این عبارت و استشهاد استاد به آیات قرآن، با صراحت تمام چنین می‌نماید که:

یک. حقیقت تمام ادیان الهی یکی بوده است.
دو. آن حقیقت واحد به همه پیامبران صاحب شریعت ارائه شده و تجلی کرده است؛ از این‌رو، همه ایشان پیروان خود را به آن حقیقت واحد، که همان توحید و تسلیم در برابر خداوند یکتاست، دعوت کرده‌اند. بنابراین، چنین نیست که حقیقت ادیان به طور کامل در دسترس پیامبران نبوده و بر ایشان کاملاً تجلی نکرده باشد. اگر اختلاف و تفاوتی در میان ادیان الهی دیده می‌شود به علت اختلاف نظرگاه پیامبران و تعدد جلوه‌های آن حقیقت واحد نیست، بلکه سر این اختلافات را باید در جای دیگری جست.

سر این اختلاف در این است که اولاً، میزان رشد استعدادها، شرایط اجتماعی و فرهنگی، نیازها و حالات حیات انسانی مختلف بوده است. همچنین اختلاف پیروان شرایع پیشین و وقوع تحریف در آنها

روایات فراوانی که در این باب وارد شده است به طور روشن و قطع، وجود یک و فقط یک صراط مستقیم که ضامن سعادت و رستگاری بشر است استفاده می‌شود. همچنین آیات فراوانی بر بطلان و ضلالت راه‌هایی که در مقابل این صراط مستقیم هستند، دلالت می‌کند. (۶۳)

با وجود این همه ادله صریح قرآنی و روایی، چگونه می‌توان معتقد به وجود پلورالیسم، کثرت‌گرایی دینی و صراط‌های مستقیم شد؟! آنچه در تعالیم سای بابا مورد تعلیم قرار گرفته، مقوله پلورالیسم حقیقت است. سای بابا در واقع، با طرح این مسئله درصدد دفع مخالفت پیروان ادیان مختلف است. همچنین با این ایده، درصدد گردآوری پیروانی از ادیان مختلف پیرامون خویش می‌باشد. سای بابا در عین سر دادن شعار برابری ادیان، با بیان اینکه دین خودساخته‌اش کامل‌ترین ادیان است، آن را به منزله «صد» می‌داند، که چون کسی آن را داشته باشد، حقیقت تمامی ادیان دیگر را، که همگی از «صد» کمتر هستند، خواهد داشت! (۶۴)

۵. ذکر و سلوک

یکی از اصول مهم در اندیشه سای بابا ذکر خداست. سای بابا درباره ذکر خدا و نیز موانع و عوامل سلوک، مباحثی را طرح می‌کند. مقایسه این مطالب با آموزه‌های قرآنی و اسلامی، روشن‌گر این است که اولاً، این مطالب نه از نظر کمیت و حجم و نه از نظر تبویب و دسته‌بندی اصولاً قابل مقایسه با آموزه‌های قرآنی و اسلامی نیستند. ثانیاً، بر فرض که برخی مطالب او در ظاهر صحت دارد، اما باید توجه داشت

خواهیم پرداخت. به دلیل آیات بسیاری از قرآن کریم، صراط مستقیم و شاه‌راه هدایت و نجات یکی بیش نیست و آن راه همه انبیا، صدیقان، شهدا و صالحان است. حقیقت این راه توحید، تسلیم در برابر خداوند و یکتاپرستی است و هر راهی غیر از این، به ضلالت و گمراهی می‌انجامد. البته همان‌گونه که گذشت، شرایع الهی متعدد بوده است؛ لیکن در هر زمانی آخرین شریعت معتبر بوده، ناسخ شرایع پیشین است. خداوند در آیات ۶ و ۷ سوره «فاتحه» می‌فرماید: ﴿أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ﴾؛ ما را به راه راست هدایت کن، راه کسانی که آنان را مشمول نعمت خود ساختی. سپس درباره «نعمت داده شدگان»، در آیه ۶۹ سوره «نساء» می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَٰئِكَ رَفِيقًا﴾؛ و کسی که خدا و پیامبر را اطاعت کند، (در روز رستاخیز) هم‌نشین کسانی خواهد بود که خداوند نعمت خود را بر آنان تمام کرده، از پیامبران و صدیقان و شهدا و صالحان. یعنی آن راه معلوم و معهودی که در سوره «فاتحه» ذکر شده است، همین راه انبیا، صدیقان، شهدا و صالحان است. سر استقامت راه ایشان در اطاعت از خدا و رسول نهفته است که از ابتدای آیه استفاده می‌شود. به عبارت دیگر، حقیقت «صراط مستقیم» همان اطاعت و بندگی خداوند است؛ از این رو، در آیه ۳۶ سوره «مریم» می‌فرماید: ﴿وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾؛ خداوند پروردگار من و پروردگار شماست، او را پرستش کنید، راه راست همین است. از این آیات و آیات بسیار دیگر و نیز

- اگر بتوان آن را مطابق تعریف رایج، دین نامید -
عصاره همه ادیان مانند اسلام، هندوئیسم، بودیسم،
مسیحیت و زرتشت می‌باشد.»^(۶۹)

مسئله سرقت ادبی سای بابا از آیین مسیحیت تا
بدان حد روشن است که فقط گردآورنده کتاب
تعلیمات، در انتهای این کتاب در ۱۲۸ مورد به
سرت ادبی از فرازهای عهد جدید اشاره
می‌کند.^(۷۰) گوته‌برداری از اسلام و زرتشت نیز
فراوان در آثار سای بابا به چشم می‌خورد.^(۷۱)

۷. خودبزرگ‌بینی و دعوت به خود

یکی از مشخصه‌های سردمداران معنویت‌های
مخملین و دروغین، خودبزرگ‌بینی و دعوت به سوی
خود است. اینان غالباً خود را واجد کرامات و
قدرت‌های فوق‌العاده نشان می‌دهند. به شیوه‌های
گوناگونی سعی می‌کنند به مخاطبان و مریدان خود
بیاوراند که ولی نعمت و صاحب اختیار آنان هستند.
سای بابا با ادعای صاحب اختیار بودن دیگران
می‌گوید: هر که تمام اعمال و کارهایش را به من اهدا
کند بدون هیچ فکر دیگری، هر که روی من مراقبه
می‌کند به من خدمت می‌کند، مرا پرستش می‌کند،
مرا به خاطر دارد، بدانند همیشه با او هستیم... به
آنجایی که مرا استهزا می‌کنند تبسم می‌کنم، به آنها که
درباره من دروغ جعل می‌کنند تبسم می‌کنم، به آنها
که مرا تمجید می‌کنند تبسم می‌کنم، دایم شادم پر از
شعف. تند صحبت می‌کنم و بعضی‌ها را تنبیه
می‌کنم، اگر آنها مال من نیستند آنها را رها می‌کنم و
توجه به آنها نمی‌کنم؛ این هشدار است برای
ارتداد آنها. من حق دارم آنجایی را که به من تعلق

که سلوک و ذکر حقیقی، شرایط و لوازمی دارد که با
رعایت آنها جوینده به سرچشمه زلال معرفت دست
می‌یابد و در غیر آن، هرچند تلاش‌هایی صورت
گرفته است، اما چون در شاه‌راه طریقت پای
نگذارده، به حقیقت نمی‌رسد. اولین شرط،
«شناخت» است که باید به اصل مبدأ، معاد، نبوت و
امامت، حاصل آید، اما در تعالیم سای بابا نه تنها
تصویر درستی از خدا ارائه نگردیده، بلکه حتی
پرستش سای بابا جایگزین پرستش خداوند شده^(۶۵)
و به جای گردن نهادن به معاد، در چرخه تناسخ
گرفتار آمده است.^(۶۶) با اعتقاد به پلورالیسم، به دین
حق پشت پا زده و به بافته‌های ذهن خود بسنده کرده
است.^(۶۷) دستورات تعالی‌بخش اسلام را رها نموده
و یافته‌های خود، مانند اوم و یوگا و مدیتیشن، را
جایگزین آنها نموده است.^(۶۸)

۶. الگوبرداری از اسلام، مسیحیت و زرتشت

(سرت ادبی و معنوی)

سای بابا همان‌گونه که از آیین‌ها و ادیان هندی تأثیر
پذیرفته و الگوبرداری نموده و تعالیم خود را از آنان
به عاریت گرفته، از تعالیم اسلام، مسیحیت، زرتشت
و دیگر مکاتب نیز تأثیر پذیرفته و به سرت ادبی و
معنوی از آنها همت گمارده است! در حقیقت، سای
بابا برداشت‌های خود از ادیان مختلف را با زبانی
ساده به عنوان گفته‌های خودش بیان داشته است.
مریدانش نیز برای فرار از پاسخ‌گویی به شبهه
مشابهت تعالیم سای بابا با دیگر مکاتب، دین سای
بابا را به عنوان «عصاره ادیان» گذشته معرفی
می‌کنند. در سایت «ایران بابا» می‌خوانیم: «دین سای

بخصوصی از من انتخاب کنید؛ خداوند میلیون‌ها نام و شکل دارد... اگر به عنوان نارینا (یکی از نام‌های خداوند) با چهار بازو در حال نگه داشتن صدف، چرخ، گرز، نیلوفر بین شما آمده بودم، شما مرا در یک موزه نگه می‌داشتید و از مردمان جست‌وجوی دارشان پول دریافت می‌کردید. اگر صرفاً به عنوان یک مرد آمده بودم، به تعلیمات و آموزش‌های من با دیده احترام نگاه نمی‌کردید و از آنها به خاطر خوبی خودتان پیروی نمی‌کردید؛ پس من باید در این شکل، ولی با دانش و نیروهای فوق بشری باشم. (۷۶)

او در عین توصیف خود به این صفات، دیگران را متهم به نفهمی می‌کند: من بین شما راه می‌روم و صحبت می‌کنم، تربیت می‌دهم، نشان می‌دهم، نصیحت می‌کنم و اندرز می‌دهم؛ اما از هر نوع وابستگی جدا هستم. خیلی وقت‌ها به شما گفته‌ام که مرا با این ساخت فیزیکی مربوط ندانسته و یکی فرض نکنید، اما شما نمی‌فهمید. (۷۷)

۸. ایجاد پایگاه مقدس اختصاصی

ایجاد مکان مقدس اختصاصی از دیگر شگردهای معنویت‌های مخملین می‌باشد. آنان به منظور اعطای هویت جمعی و دینی به پیروان و مریدان خود، اقدام به تأسیس مراکز ویژه‌ای به عنوان پایگاه و محل انجام مناسک فرقه خود می‌کنند.

سای بابا به عنوان یک فرقه مدعی، از این پروسه غافل نمانده و معبدی با عنوان «پراشانتی نیلیام» که به معنای فریبنده «آشیانه صلح برین» است برای تجمع سالانه پیروان خود تأسیس کرده. در این معبد

دارند گوشمالی بدهم. (۷۲)

همچنین می‌گوید: خودتان را محصور من بدانید، به من مشغول باشید. جنون بابا را در زندگی‌تان خلق کنید، باور کنید که از این جنون شیرین‌تر نیست. به عشق هم عادت کردیم، همه این سال‌ها، فرم‌های مختلفی از عشق را برای شما گرفتم؛ مثل کودکی پرورش‌تان دادم؛ مثل پدر و مادری عاشق، تا رشد کنید. من فرم برادر و خواهرتان را به خود گرفتم... من آمده‌ام تا سعادت بدهم، من آمده‌ام تا ببخشم، هیچ منظور دیگری از موجودیت من نیست. همه اضطراب و مشکلات خود را به من بسپارید، و از من آرامش بگیرید. بیا و مرا پیدا کن، و خودت را پیدا کن. از نزدیک به من نگاه کنید، به فراسوی فرم بدن و درون نگاه کنید. (۷۳)

نیز ادعا می‌کند: مأموریت من اعطای شوق و شادی به شماست که از ضعف و ترس دورتان کنم. مأموریت من پراکندن شادمانی است. از این جهت، همیشه آماده‌ام به میان شما بیایم، نه یک بار، دو بار یا سه بار، هر زمان که شما مرا بخواهید. اسسم ساتیا، من «راستی» هستم. اعمالم ساتیا، جلال و شکوه من ساتیا. تنها آرزوی من شادمانی شماست. شادی شما شادی من است. شادمانی جدا از شما ندارم. (۷۴)

او با غرور از قدرت و صفات غیرقابل وصف خود سخن می‌گوید: قدرت من غیرقابل اندازه‌گیری است. تولد من غیرقابل توضیح و غیرقابل درک و پیمایش است. اصل سای، الوهیت سای، هرگز تحت تأثیر بدگویی و افترا، پیشرفتش متوقف نمی‌شود. (۷۵)

و با ادعای نیروهای فوق بشری برای خود می‌گوید: من شما را مجبور نمی‌کنم که نام و شکل

معمولاً مراسمی به مناسبت‌های گوناگون همه‌آدیان برگزار می‌گردد. سای بابا هر روز دو نوبت برای دیدار الهی! به سالن سای کولونتِ معبد - سالنی که مریدان او از گوشه و کنار دنیا برای دیدار وی در آنجا جمع شده‌اند - قدم می‌گذارد. هدف از تأسیس این پایگاه‌ها، به ویژه در کشور ما، مقابله با پایگاه‌های اصیلی همچون بیوت مراجع و دیگر مراکز دینی و مذهبی می‌باشد.

۹. انزوای اجتماعی (ناسازواری بعد مادی و روحی

وجود انسان)

از مشخصه‌های دیگر معنویت‌های مخملین، ناسازگار دانستن بعد مادی و روحی آدمی، و به تبع آن، انزوای اجتماعی و گوشه‌گیری است. این ویژگی را می‌توان در بسیاری از معنویت‌های دروغین شرقی و غربی، اعم از هندی و بودایی مشاهده کرد.^(۷۸) از همین رو، ناسازواری بعد مادی و روحی آدمی و انزوای اجتماعی از بارزترین مشخصه‌های فرقه سای بابا است. سای بابا در تعالیم خود همواره رهایی از وابستگی را یکی از ارکان اصلی دست یافتن به صلح، آرامش و سعادت اعلام می‌کند.

رهایی از وابستگی، به معنای محرومیت از درجات بالای معنوی در صورت پرداختن به امور مادی و دنیایی است. براساس این پندار، سالک می‌باید برای جامه عمل پوشاندن به اولین رکن صلح و آرامش، یعنی رهایی از وابستگی، خانه و والدین خویش را ترک گوید تا رسالت خود را با رهایی از تمام وابستگی‌ها و تعلقات آغاز نماید. سای بابا برای تشویق پیروان خود برای عمل به این آموزه، خود

اولین کسی است که اقدام به این عمل می‌نماید. در کتاب *زندگی من پیام من است* نقل است که بعد از مدتی انزوای اجتماعی و کناره‌گیری سای بابا از خانه و کاشانه و خانواده، والدینش او را در حین انجام ذکرهای ریتمیک پیدا کردند. آنها از سای بابا خواهش کردند که به خانه بازگردد و به زندگی طبیعی خود ادامه دهد. اما وی در مقابل اصرار والدین خود، می‌گوید: هیچ کس به دیگری متعلق نیست؛ اینها همه توهمات است!^(۷۹) او همچنین پیروان خود را از برقراری روابط صمیمانه با دیگر هموعان باز می‌دارد و آن را مانع پیشرفت معنوی می‌داند.^(۸۰)

با اندکی تأمل در عقایدی از این دست، روشن می‌گردد که برای عمل به هر یک از تعالیم معنوی و عرفانی سای بابا، به ناچار می‌باید یک قدم از علایق اجتماعی و قوانین معمول اجتماع دور شد.

این تقابل، یعنی استقبال از معنویت‌های پوشالین برای دست‌یابی به آرامش، و از سوی دیگر، ناروایی انزوای اجتماعی و گوشه‌نشینی، نشانه یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌های انسان مدرن خواهان معنویت است. این تعارض عمیق باعث می‌شود تا استقبال از معنویت‌های مخملین - هرچند در بدو امر با شور و شوق بسیار همراه است - در ادامه فاقد دوام و التزام فراگیری باشد.

دیگر اینکه از نظر معنویت‌های اصیل و حقیقی، هیچ تعارضی میان بعد مادی و روحی انسان وجود ندارد. این دو بعد در هم تنیده بوده و نمی‌توان به انگیزه تقویت و سعادت یکی، دیگری را نادیده گرفت. بهره‌مندی از اجتماع و هموعان، نه تنها تضاد و تعارضی با معنویت و عرفان ندارد، بلکه شرط

تکامل معنوی انسان و یکی از بهترین اسباب و وسایل نیل به سعادت واقعی است.

ما فوق بشر می دانند!

سای بابا در مورد قدرت ماورایی خود می گوید: قدرت من غیرقابل اندازه گیری است. (۸۲)

وی در مورد دانش فوق بشری خود نیز می گوید: من شما را مجبور نمی کنم که نام و شکل بخصوصی از من انتخاب کنید؛ خداوند میلیون ها نام و شکل دارد... اگر به عنوان نارینا (یکی از نام های خداوند) با چهار بازو در حال نگه داشتن صدف، چرخ، گرز، نیلوفر بین شما آمده بودم، شما مرا در یک موزه نگه می داشتید و از مردمان جست و جوی دارشان پول دریافت می کردید. اگر صرفاً به عنوان یک مرد آمده بودم، به تعلیمات و آموزش های من با دیده احترام نگاه نمی کردید و از آنها به خاطر خوبی خودتان پیروی نمی کردید. پس من باید در این شکل، ولی با دانش و نیروهای فوق بشری باشم. (۸۳)

در این باره باید بگوییم: بسیاری از این قدرت ها که از طرف مدعیان معنویت های نوظهور ادعا می شود، پوشالی، دروغ و خالی از واقعیت است.

در مورد معجزات سای بابا نیز گفتنی است: اخیراً فیلم هایی از معجزات او پخش شده است که حقیقت این حقه بازی های او را آشکار می سازد. در این فیلم ها چند مرتاض هندی پرده از شگردهای سای بابا برداشته و او را رسوا ساخته اند. مثلاً در مورد بارش مواد عطراگین از لای انگشتانش، اثبات کرده اند که او دستگاه کوچکی را در لای انگشتان خود جای داده و از طریق آن این عمل را انجام می دهد. در مورد دیگر شعبده بازی های او نیز حقایق را آشکار نموده اند. این فیلم ها در مجموعه

۱۰. ادعای مهدویت

«پرما سای بابا»، موعودی است که ساتیا سای بابا ادعا می کند هشت سال پس از مرگش در قالب او باز خواهد گشت. او معتقد است: پرما، آخرین ظهور او بر روی کره زمین خواهد بود؛ چه اینکه پرما زمین را پر از عشق و شادی خواهد کرد و تمام مردم جهان را نجات خواهد داد. سای بابا مدعی است: پرما موجب می شود که جهان بعد از آن همه جنگ و اضطراب و نابسامانی، بار دیگر یکپارچه در صلح و آرامش غوطه ور گردد. سای بابا در تعالیم خود با سخن گفتن از منجی عالم بشریت، که در آینده نزدیک می آید و ادامه دهنده راه سای بابا شیردی و خود اوست و در واقع، روح او در آن منجی دمیده شده، اظهار می دارد که جهان مملو از ظلم و جور را به پایان می رساند و با گسترش صلح و آرامش، اهالی مضطرب زمین را در آغوش گرم معنویت پناه می بخشد. (۸۱) اما رسوایی هایی که در ادامه، گزارش آن خواهد آمد، پرده از تمامی این اباطیل او برداشته و دروغ های او را برملا می سازد.

۱۱. ادعای قدرت های معنوی و فوق بشری

از دیگر مسائلی که مدعیان معنویت های نوظهور و مخملین مدعی آن هستند، قدرت های خارق العاده و فوق بشری است، چنان که در گزاره قبل بدان اشارتی رفت. آنان با تردستی و اجرای جادوگری، کارهایی انجام می دهند و با استناد بدان، خود را دارای قدرت

پاسخ به یک پرسش

بسیاری از آیین‌ها و مکاتب مخملین و پیامبران دروغین آنها، کارهای خارق‌العاده‌ای انجام می‌دهند. سای بابا نیز دارای معجزات و افعال خارق‌العاده فراوانی است که از وی نقل شده و برخی به چشم خود آنها را مشاهده کرده‌اند. سؤال این است که اگر راه سای بابا، راهی نادرست و خرافاتی است، پس چرا و به چه دلیلی رفتارهای خارق‌العاده‌ای از وی سر می‌زند؟ آیا انجام این کارهای خارق‌العاده و صدور این معجزات از وی نشانه‌ی درستی راه وی نیست؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت: حقیقت این است که بسیاری از مردم گمان می‌برند انجام کارهای خارق‌العاده نشانه‌ی حقانیت است. پیامبران دروغین و سودجویان نیز از همین حالت روحی مردم و سادگی آنان سوءاستفاده کرده و سعی می‌کنند با انجام کارهایی که ظاهراً از توان عموم مردم خارج است و یا با پیش‌گویی و پیش‌بینی درباره‌ی حوادث روزمره، چنین جلوه دهند که همه‌ی سخنانشان حق است و مهر تأیید الهی را بر پیشانی دارد! هرچند برخی از کارهای خارق‌العاده در اثر توانمندی‌ها و استعدادهای غیراکتسابی و خدادادی است، اما بسیاری از آنها معلول ریاضت‌ها و تمرینات روحی می‌باشد. توضیح اینکه روح انسانی دارای قدرتی خارق‌العاده و شگفت‌انگیز است. هر انسانی اگر بتواند غرایز حیوانی را سرکوب نماید، قادر خواهد بود از قدرت خارق‌العاده روح خود استفاده کند. سنت الهی در این عالم به این صورت است که هر کس به هر میزان و به هر انگیزه‌ای که تلاش کند، از حاصل تلاش خود بهره خواهد برد. انسان می‌تواند با

«پیام‌آوران تاریکی»، محصول مرکز پژوهش‌های صدا و سیما در اختیار حقیقت‌جویان قرار گرفته است.^(۸۴) دیگر اینکه داشتن این قدرت‌ها، فی حدنفسه نه عرفان و معنویت است و نه نشانه‌ای از معنویت‌های راستین و حقیقی. از سوی دیگر، قدرت‌های خارق‌العاده ممکن است از راه ریاضت‌های مرتاضانه به دست آید و یا به عنوان هدیه‌ای از جانب خداوند به برخی بندگان صالح اعطا شود. اما باید توجه داشت که این امور هدف نیست، بلکه فقط وسیله‌ای برای یاری انسان‌ها و نزدیک‌سازی آنان به درگاه ربوبی می‌باشد. همچنین باید توجه داشت که هر کس به این توانایی‌ها و قدرت‌ها توجه کند و آنها را هدف قرار دهد، از همان لحظه سقوط و انحطاطش آغاز می‌شود.

۱۲. انحرافات و سوءاستفاده‌های جنسی

آنچه بیش از همه شخصیت پوشالی سای بابا را رسوا می‌نماید، گزارش‌هایی است که توسط رسانه‌های مختلف جهان، در مورد سوءاستفاده‌های جنسی او منتشر شده است. سای بابا متهم به سوءاستفاده جنسی از شماری از مریدان خود است. گزارش بی‌بی‌سی دربردارنده مصاحبه با شماری از خانواده‌هایی است که از مریدان سای بابا بوده‌اند. این گزارش به شرح چگونگی تهدیدها و بهره‌برداری‌های جنسی سای بابا از مریدانش پرداخته است.^(۸۵) این رسانه‌ها حجم خلاف‌کاری‌ها و تخلفات سای بابا را به حدی می‌دانند که نیاز به دخالت دولت‌های مختلف در برابر آن را ضروری می‌کند.^(۸۶)

این چنین چیزها را بس قیمتی نیست. مرد آن بود که میان خلق نشیند و داد و ستد کند و زن خواهد و با خلق درآمیزد و یک لحظه از خدای خود غافل مباد. (۹۰)

نتیجه اینکه انجام کارهای خارق‌العاده را نمی‌توان نشانه حقانیت و درستی کسی یا راهی تلقی کرد. مهم‌تر اینکه آنچه در مورد سای بابا مشهور و معروف است، اکثراً تردستی‌هایی است که کذب و دروغ بودنشان ثابت شده و فیلم‌های آن در دسترس می‌باشد. (۹۱) در مورد دروغ‌گویی سای بابا همین بس که چهارده سال زودتر از آنچه برای زمان مرگ خود وقت تعیین کرده بود، به گفته خودش خرقة تهی کرد. او مدعی شده بود در سال ۲۰۲۵ و در سن ۹۹ سالگی خرقة تهی خواهد کرد، اما در آوریل ۲۰۱۱ و چهارده سال پیش از موعد مقرر، چشم از جهان فرو بست!

نتیجه‌گیری

سای بابا، مدعی دروغین معنویت، با ترفندهای گوناگونی به جذب مرید پرداخته و انسان‌های فراوانی را به گمراهی کشانده است. اکثر ادعاهای او دروغ و پوشالی است. او با سوءاستفاده از جهل و نادانی و دلبستگی فراوان هوادارانش به او و با استفاده از بمباران محبتی آنها و همچنین ارائه تعالیمی ساده، و با انجام کارهای خارق‌العاده و بعضاً خیرخواهانه، مانند ساخت مدرسه و بیمارستان، و با شعار فریبنده حقانیت و برابری تمامی ادیان، به دنبال طرح دین و مکتبی نوین به نام «مکتب سای بابا» است. گرچه تعالیم سای بابا نسبت به تعالیم دیگر عرفان‌نماها، از زشتی و پلشتی کمتری برخوردار است، اما اکثر اصول تعلیماتی وی، از قبیل حلول

انجام ریاضت‌ها و تمریناتی خاص، اجنه و شیاطین را به استخدام خود درآورد و با آنان ارتباط برقرار نماید. سحر و جادو و تسخیر جن و احضار روح و امثال آن، از جمله کارهای خارق‌العاده‌ای هستند که از این طریق حاصل می‌شوند. اما سخن این است که آیا انجام چنین کارهایی نشانه حقانیت است؟ مسلم است که چنین نیست؛ چه اینکه بسیاری از عارفان حقیقی و متشرع، کسانی را که از راه‌های خلاف شرع به کرامات و انجام کارهای خارق‌العاده دست می‌یابند کافر و زندیق دانسته‌اند. (۸۷) همچنین به طور جدّ از سالکان خواسته‌اند که اگر کسی را دارای چنان کراماتی یافتند که - مثلاً - در آسمان می‌پرد و... دلباخته او نشوند. (۸۸)

نقل است که وقتی عده‌ای از مریدان بایزید برخی کرامات وی را نزد خودش ذکر کردند، بایزید جواب حکیمانه‌ای به آنها داد. گفتند: تو بر روی آب راه می‌روی! گفت: چوب پاره‌ای بر آب برود. گفتند: در هوا می‌پری! گفت: مرغ (هم) در هوا می‌پرد. گفتند: به شبی به کعبه می‌روی! گفت: جادویی در شبی از هند به دماوند می‌رود. گفتند: پس کار مردان چیست؟ گفت: آنکه دل در کس نبندد جز خدای! (۸۹)

ابوسعید ابوالخیر نیز در جواب سؤالاتی از این دست، جواب‌هایی نغز و حکیمانه داده است:

گفتند: فلان کس بر روی آب راه رود! گفت: سهل است، بزغی (قورباغه) و صعوه‌ای (گنجشکی) نیز بر روی آب راه رود. گفتند: فلان کس در هوا می‌پرد! گفت: زغنی و مگسی نیز بر هوا بپرد. گفتند: فلان کس در یک لحظه از شهری به شهر دیگر رود! گفت: شیطان نیز در یک نفس از مشرق به مغرب می‌رود.

- خداوند در بندگان و اشیا، تناسخ و انکار معاد، پلورالیسم و برابری تمامی ادیان و...، مخدوش بوده و قابل دفاع نیست. معتقدان به سَای بابا، باید توجه داشته باشند که ورود به جرگه فرقه سَای بابا و اعتقاد به مبانی او، آنان را در معرض خطر ارتداد قرار می‌دهد؛ زیرا اصول تعالیم سَای بابا با مبانی قرآن و احادیث، و مکتب اسلام و آموزه‌های عرفانی اسلامی ناسازگار و متضاد است. در کنار سَای بابا، مکاتب عرفان‌نمای فراوان دیگری وجود دارند که با هدف گمراه کردن نسل جوان در داخل ایران با آزادی نسبی، به دنبال تبلیغ آیین خرافی خود هستند. بر مسئولان و مراکز علمی و حوزوی فرض است که با ارائه راه‌کارهای علمی و عملی مناسب، به مبارزه با این مکاتب خرافی پرداخته، دیانت حقیقی و عرفان اصیل را از ورطه نابودی نجات بخشند و به تشنگان آن بازگردانند.
- ۸- حمید فلاحتی، سَای بابا، دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها، ص ۱۲.
 ۹- ava-tara در مذهب هندو، آواتار، موجودی خارق‌العاده و تجسم معجزه‌آسای الوهیت به سیمای آدمی است که برای سعادت بشر تولد می‌یابد.
 ۱۰- ر.ک: احمدحسین شریفی، درآمدی بر عرفان حقیقی و عرفان‌های کاذب، ص ۷۳.
 ۱۱- حمید فلاحتی، همان، ص ۱۲.
 ۱۲- ساتیا پال روهلا، همان، ص ۵۴.
 ۱۳- حمید فلاحتی، همان، ص ۴۶-۴۷.
 ۱۴- سوامی ساتیا سَای بابا، عشق الهی را جلوه‌گر سازید، ترجمه پروین بیات، ص ۱۰۶.
 ۱۵- همان.
 ۱۶- محمدحسین کیانی، «سَای بابا توهم تجلی خداگونه»، حوزه، سال بیست‌وششم، ش ۱۵۳-۱۵۴، ص ۲۵۷.
 ۱۷- برای نمونه، ر.ک: مزگان ایلاتلو، «گزارش سفر هند - دیدار با سَای بابا»، روزنامه شرق، شنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۳، ص ۴.
 ۱۸- محمدحسین کیانی، همان، ص ۲۵۲.
 ۱۹- برای نمونه، ر.ک: سوامی ساتیا سَای بابا، تعلیمات ساتیا سَای بابا (تعلیمات معنوی ۶)، ترجمه رؤیا مصباحی مقدم، ص ۳۱.
 ۲۰- ساتیا سَای بابا، عشق الهی را جلوه‌گر سازید، ترجمه پروین بیات، ص ۱۸.
 ۲۱- همو، تعلیمات معنوی ۶، ص ۱۰.
 ۲۲- همان، ص ۱۸.
 ۲۳- همان، ص ۷۷.
 ۲۴- همان، ص ۹۶.
 ۲۵- همان، ص ۱۲۹.
 ۲۶- همو، تعلیمات معنوی ۴، ترجمه توراندخت تمدن، ص ۱۸۱-۱۸۰.
 ۲۷- سیما کوندرا، تراش‌های الماس خداوند، ترجمه طاهره آشنا، ص ۹۰.
 ۲۸- ر.ک: علی ربانی گلپایگانی، محاضرات فی الالهیات، ص ۸۶.
 ۲۹- ساتیا سَای بابا، تعلیمات معنوی ۴، ص ۶.
 ۳۰- حمیدرضا مظاهری‌سیف، جریان‌شناسی انتقادی عرفان‌های نوظهور، ص ۳۵.
 ۳۱- احمدحسین شریفی، همان، ص ۷۳.
 ۳۲- ساتیا سَای بابا، افکار الهی برای ۳۶۵ روز سال، ص ۱۲.
- ۳- ساتیا پال روهلا، قدیس سَای بابا شیردی، ترجمه حمیدرضا جعفری، ص ۵۴.
 ۴- همان، ص ۲۶.
 ۵- کارما - قانون عمل و عکس‌العمل - در لغت به معنای عمل است و در اصطلاح به قانونی گفته می‌شود که پیامد اعمال انسان را تعیین می‌کند و موجب پدید آمدن چرخه بازپیدایی می‌شود. کارما با اینکه تعیین‌کننده پیامد عمل انسان است، اما نه پاداش عمل نیک است و نه جزای عمل بد (Oxford Concise Dictionary, p. 308).
 ۶- ساتیا پال روهلا، همان، ص ۵۰.
 ۷- همان، ص ۴۴.

پی‌نوشت‌ها

1. Sai baba.

2. Sai baba shirdi.

۳- ساتیا پال روهلا، قدیس سَای بابا شیردی، ترجمه حمیدرضا جعفری، ص ۵۴.

۴- همان، ص ۲۶.

۵- کارما - قانون عمل و عکس‌العمل - در لغت به معنای عمل است و در اصطلاح به قانونی گفته می‌شود که پیامد اعمال انسان را تعیین می‌کند و موجب پدید آمدن چرخه بازپیدایی می‌شود. کارما با اینکه تعیین‌کننده پیامد عمل انسان است، اما نه پاداش عمل نیک است و نه جزای عمل بد (Oxford Concise Dictionary, p. 308).

۶- ساتیا پال روهلا، همان، ص ۵۰.

۷- همان، ص ۴۴.

- ۳۳- حمیدرضا مظاهری سیف، همان، ص ۳۵.
- ۳۴- ساتیا سای بابا، *گیتای جدید*، ترجمه مرتضی بهروان، ص ۱۹.
- ۳۵- ساتیا سای بابا، *عشق الهی را جلوه‌گر سازید*، ص ۵.
- ۳۶- ساتیا سای بابا، *تعلیمات معنوی ۴*، ص ۱۸۰.
- ۳۷- همان، ص ۱۰۱.
- ۳۸- همان، ص ۱۰۶.
- ۳۹- سیما کوندرا، همان، ص ۲۶۰.
- ۴۰- همان، ص ۱۰۶.
- ۴۱- ر.ک: سید محمدحسین طباطبائی، *المیزان*، ج ۱، ص ۲۷۲-۲۷۵ و ۳۶۵-۳۶۳.
- ۴۲- برتراند راسل، *تاریخ فلسفه غرب*، ترجمه نجف دریابندری، ج ۱، ص ۳۵۳.
- ۴۳- سیما کوندرا، همان، ص ۱۶۸.
- ۴۴- سید محمدحسین طباطبائی، همان، ج ۷، ص ۸۳.
- ۴۵- جان. بی ناس، *تاریخ جامع ادیان*، ترجمه علی اصغر حکمت، ص ۱۵۵.
- ۴۶- احمدحسین شریفی، همان، ص ۷۵.
- ۴۷- محمدحسین کیانی، همان، ص ۲۵۸.
- ۴۸- ساتیا سای بابا، *تعلیمات معنوی ۴*، ص ۳۶.
- ۴۹- جی. اس. هیلسوب، *گفت‌و شنود با باگوان شری ساتیا سای بابا*، ص ۵، به نقل از: اسماعیل منصوری لاریجانی، *عرفان اسلامی*، ص ۲۸۸.
- ۵۰- زهره ایرانمنش، *اندیشه‌های از دیدگاه ساتیا سای بابا*.
- ۵۱- ابن‌سینا، *شرح‌الاشارات و التنبیها*، مع‌الشرح الطوسی و *الرازی*، ج ۳، ص ۳۵۶.
- ۵۲- مآصدرا، *الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة*، ج ۹، ص ۲.
- ۵۳- ساتیا سای بابا، *زندگی من پیام من است*، ص ۱۱۳.
- ۵۴- همان، ص ۱۶۷.
- ۵۵- همو، *افکار الهی برای ۳۶۵ روز*، ص ۲۵.
- ۵۶- مایکل پترسون، *عقل و اعتقاد دینی*، ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، ص ۴۰۲.
- ۵۷- علی ربانی گلپایگانی، «تحلیل و نقد پلورالیسم دینی»، *کتاب نقد*، سال اول، ش ۴، ص ۱۱۱، ۱۳۳، ۱۳۹، ۳۳۶ و ۳۳۷.
- ۵۸- مرتضی مطهری، *مجموعه آثار*، ج ۳، ص ۱۵۷-۱۵۸.
- ۵۹- همان، ص ۱۵۷.
- ۶۰- همان، ص ۱۵۹.
- ۶۱- علی ربانی گلپایگانی، همان، ص ۱۱۱-۱۱۴ و ۳۳۸-۳۳۷.
- ۶۲- همان، ص ۱۵۸ و ۲۴۹ و ۳۲۸.
- ۶۳- بقره: ۱۲۰، ۱۳۶ و ۱۳۷؛ آل‌عمران: ۶۹-۷۳؛ نساء: ۱۵۳ و ۱۷۱؛ توبه: ۳۰-۴۳؛ شوری: ۲۱.
- ۶۴- ر.ک: حمید فلاحی، همان، ص ۴۷.
- ۶۵- سیما کوندرا، همان، ص ۱۰۶.
- ۶۶- ساتیا سای بابا، *تعلیمات معنوی ۴*، ص ۳۶.
- ۶۷- همو، *زندگی من پیام است*، ص ۱۱۳.
- ۶۸- ر.ک: همو، *تعلیمات معنوی ۴*، ص ۱۲۰-۱۵۰.
- ۶۹- به نقل از: حمید فلاحی، همان، ص ۲۳.
- ۷۰- محمدتقی فعالی، *آفتاب و سایه‌ها (نگرشی بر جریان‌های نوظهور و معنویت‌گرا)*، ص ۱۵۸.
- ۷۱- برای نمونه، ر.ک: ساتیا سای بابا، *افکار الهی برای ۳۶۵ روز سال*.
- ۷۲- سیما کوندرا، همان، ص ۱۰۶.
- ۷۳- حمیدرضا مظاهری سیف، همان، ص ۳۵.
- ۷۴- سیما کوندرا، همان، ص ۱۶۸.
- ۷۵- همان.
- ۷۶- همان، ص ۱۱۵.
- ۷۷- همان.
- ۷۸- جان. بی ناس، همان، ص ۱۶۴.
- ۷۹- ساتیا سای بابا، *زندگی من پیام من است*، ص ۱۰.
- ۸۰- همو، *تعالیم معنوی ۴*، ص ۴۶.
- ۸۱- محمدحسین کیانی، همان، ص ۲۵۹.
- ۸۲- سیما کوندرا، همان، ص ۱۶۸.
- ۸۳- همان، ص ۱۱۵.
- ۸۴- مرکز پژوهش‌های صدا و سیما، *نرم‌افزار پیام‌آوران تاریکی*، زمستان ۱۳۸۷.
85. Wikipedia, p. 6.
- ۸۶- ر.ک: محمدحسین کیانی، همان، ص ۲۵۸.
- ۸۷- عبدالرحمن جامی، *نفحات الانس*، ص ۲۶.
- ۸۸- عبدالکریم‌بن هوازن قشیری، *رسالة قشیریه*، ترجمه ابوعلی حسن‌بن احمد عثمانی، تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، ص ۱۴.
- ۸۹- فریدالدین عطار نیشابوری، *تذکرة الاولیا*، تصحیح رینولد نیکلسون، ص ۲۴۸.

- ۹۰- عبدالرحمن جامی، همان، ص ۳۰۵.
- ۹۱- ر.ک: مرکز پژوهش‌های صدا و سیما، همان.
- نیکلسون، چ دوم، تهران، اساطیر، ۱۳۸۳.
- فعالی، محمدتقی، آفتاب و سایه‌ها (نگرشی بر جریان‌های
نوظهور و معنویت‌گرا)، چ ششم، تهران، نجم‌الهدی، ۱۳۸۸.
- فلاحتی، حمید، سای بابا دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها، قم، شهاب‌الدین،
۱۳۸۹.
- قشیری، عبدالکریم‌بن هوازن، رساله قشیریه، ترجمه ابوعلی
حسن‌بن احمد عثمانی، تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، چ نهم،
تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۵.
- کوندرا، سیما، تراشه الماس خداوند، ترجمه طاهره آشنا، چ دوم،
تهران، تعالیم مقدس، ۱۳۷۷.
- کیانی، محمدحسین، «سای بابا و توهم تجلی خداگونه»، حوزه،
ش ۱۵۳-۱۵۴، زمستان ۱۳۸۸ و بهار ۱۳۸۹، ص ۲۳۵-۲۶۳.
- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، چ سوم، تهران، صدرا، ۱۳۷۲.
- مظاهری‌سیف، حمیدرضا، جریان‌شناسی انتقادی عرفان‌های
نوظهور، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸.
- ملّاصدر (صدرالدین محمدبن ابراهیم شیرازی)،
الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، ط. الرابعه، بیروت،
داراحیاء التراث العربی، الرابعه، ۱۴۱۰ ق.
- منصور لاریجانی، اسماعیل، عرفان اسلامی، تهران، نشر
بین‌الملل، ۱۳۸۸.
- ناس، جان. بی، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، چ
نهم، تهران، علمی - فرهنگی، ۱۳۷۷.
- ۹۰- عبدالرحمن جامی، همان، ص ۳۰۵.
- ۹۱- ر.ک: مرکز پژوهش‌های صدا و سیما، همان.
- منابع
- ابن‌سینا، شرح‌الاشارات و التنبیها، مع‌الشرح الطوسی و
الرازی، قم، البلاغه، ۱۳۷۵.
- پال روهلا، ساتیا، قدیس سای بابا شیردی، ترجمه حمیدرضا
جعفری، تهران، پیک ایران، ۱۳۷۷.
- پترسون، مایکل، عقل و اعتقاد دینی، ترجمه احمد نراقی و
ابراهیم سلطانی، تهران، طرح نو، ۱۳۷۶.
- جامی، عبدالرحمن، نفحات الانس، تصحیح مهدی توحیدی‌پور،
تهران، چ دوم، تهران، سعدی، ۱۳۶۶.
- راسل، برتراند، تاریخ فلسفه غرب، ترجمه نجف دریابندی، چ
ششم، تهران، پرواز، ۱۳۷۳.
- ربانی گلپایگانی، علی، «تحلیل و نقد پلورالیسم دینی»، کتاب نقد،
سال اول، ش ۴، زمستان ۱۳۷۷.
- سای بابا، سوامی ساتیا، افکار الهی برای ۳۶۵ روز سال، ترجمه
پروین بیات، تهران، عصر روشن‌بینی، ۱۳۸۴.
- ، تعلیمات ساتیا سای بابا (تعلیمات معنوی ۶)، ترجمه
رؤیا مصباحی‌مقدم، تهران، تعالیم حق، ۱۳۸۳.
- ، زندگی من پیام من است، ترجمه پروین بیات، تهران، عصر
روشن‌بینی، ۱۳۸۲.
- ، سخنان ساتیا سای بابا (تعلیمات معنوی ۴)، ترجمه
توران‌دخت تمدن، تهران، تعالیم حق، ۱۳۸۴.
- ، عشق الهی را جلوه‌گر سازید، ترجمه پروین بیات، تهران،
عصر روشن‌بینی، ۱۳۸۴.
- شریفی، احمدحسین، درآمدی بر عرفان حقیقی و عرفان‌های
کاذب، قم، صهبای یقین، ۱۳۸۷.
- طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، قم،
جامعه مدرسین، بی‌تا.
- عطار نیشابوری، فریدالدین، تذکرة الاولیاء، تصحیح رینولد